

# شاخص‌های مظلومیت فرهنگ

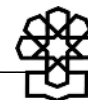


## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۲	فصل اول - مفهوم مظلومیت فرهنگ
۳	فصل دوم - مظلومیت فرهنگ در کلام معظم رهبری
۵	فصل سوم - شاخص‌های مظلومیت فرهنگ از دیدگاه صاحب‌نظران
۲۴	نتیجه‌گیری
۲۷	پیشنهادات
۲۹	پیوست
۲۹	منابع و مأخذ





## شاخص‌های مظلومیت فرهنگ

### چکیده

پس از گذشت چند سال از بیان مقام معظم رهبری در خصوص مظلومیت فرهنگ، کماکان این مفهوم در حالت کلی و چه بسا مبهم به قوت خود باقی است. شاید دلیل این امر نداشتن نگاه تحلیلی و عمقی کارشناسان این بخش باشد؛ چراکه به منظور شفاف‌سازی مفاهیمی از این دست باید بر مؤلفه‌ها و شاخص‌های پدیدآورنده و ایجابی آن تکیه کرد. در این گزارش سعی بر آن است تا با معرفی دیدگاه مقام معظم رهبری در این خصوص و سپس مراجعه به صاحب‌نظران، شاخص‌های مظلومیت فرهنگ با استفاده از دیدگاه‌ها صاحب‌نظران مورد تحلیل قرار گیرد. در نهایت شاخص‌های عمده‌ای که بیانگر مفهوم مظلومیت فرهنگ می‌باشند، مورد توجه قرار می‌گیرند.

### مقدمه

درونمایه انقلاب اسلامی ایران، هویت فرهنگی است و در جهان آن را با عنوان انقلاب فرهنگی می‌شناسند. هویت فرهنگی هر جامعه، آینه و نماد سیمای وجودی آن جامعه است. بدیهی است خرده نظام‌های اجتماعی برای تعادل و ثبات و استقرار نظام اجتماعی در تعامل و تبادل هستند، اما نکته مهمتر آن است که نقش خرده نظام فرهنگی به شهادت و گواه تاریخ معاصر ایران و جریان‌های فکری کشورهای اسلامی در قبال مسائل روزمره محوری‌تر و پاسخگو بوده است. این درحالی است که شاخص‌ها و دغدغه‌های مسئولان نظام و مدیران حوزه فرهنگ نشان می‌دهد خرده نظام فرهنگی در ایران آنچنان که شایسته نام انقلاب اسلامی است، موفق نشده تا در حد مطلوب و مورد انتظار سیمای فرهنگی انقلاب اسلامی را به تصویر بکشاند. از این‌رو است که رهبر معظم انقلاب با چنین دغدغه‌ای، موضوع مظلومیت فرهنگ را طرح کرده‌اند. به نظر می‌آید مظلومیت فرهنگ علاوه بر حوزه عملی، حوزه نظری و روش‌شناسی را نیز شامل می‌شود.

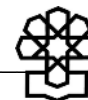
با این وصف به نظر می‌رسد آنچه که بیشتر از خود فرهنگ مورد مظلومیت واقع شده، مفهوم مظلومیت فرهنگ است که به صورت مبهم باقی مانده است. به عبارتی مشخص نشده که مقصود از مظلومیت فرهنگ در گفتمان رهبری چیست؟ و شاخص‌های آن کدامند؟ برای روشن شدن این مفهوم لازم است شاخص‌های این بخش احصا شود که برای یافتن چنین شاخص‌هایی لازم است در ابتدا مقصود مقام معظم رهبری از این گفتمان روشن شود و سپس شاخص‌های این بخش از دیدگاه صاحب‌نظران مورد بررسی قرار گیرد.

## فصل اول - مفهوم مظلومیت فرهنگ

بحث پیرامون مظلومیت فرهنگ که مقام معظم رهبری بارها از آن سخن به میان آورده‌اند و بر لزوم رفع آن تأکید ورزیده‌اند، هنوز عنوانی کلی و مبهم باقی مانده است. به عبارتی مظلومیت فرهنگ طی سالیان اخیر به حاشیه رانده شده و فقدان حساسیت پژوهشی و علمی بر این عنوان، خروجی این بخش را از کانون توجه خارج کرده است و همواره مظلومیت فرهنگ را در میان اهالی فرهنگ به مفهومی کلی که دارای ابهام می‌باشد، مبدل ساخته است.

شاید علت به حاشیه رفتن این مفهوم و عدم تبیین دقیق از آن در ذات خود فرهنگ نهفته باشد؛ چراکه درست به اندازه وسعت حوزه فرهنگ، از این واژه نیز تعریف ارائه شده که به تبع ارائه مفهومی و تعریفی از مظلومیت فرهنگ که از سویی جامع باشد و از سویی دیگر بازگوکننده گفتمان رهبری باشد را نیز در این وسعت معنایی و کثرت قرار داده است. علاوه بر این سیال بودن مباحث مربوط به خود فرهنگ و به سبب آن نبود گفتمان مشترک بر مفهوم مظلومیت فرهنگ، ارائه تعریف واحد در این خصوص را دچار ابهام کرده است و پس از گذشت چندین سال هنوز به صورت عنوانی کلی، بدون وجود شاخص‌ها و مؤلفه‌های مشخص، دقیق و کاربردی باقی مانده است. معمولاً برای تبیین مفاهیمی مانند فرهنگ که چندوجهی می‌باشند، باید شاخص‌های آنها را احصا کرد تا از طریق وجوه و شاخص‌های مشترک بتوان به مفهوم و تعریفی مشترک دست یافت. مفهومی چون مظلومیت فرهنگ نیز از این رویه تبعیت می‌کند. به منظور تعریف مظلومیت فرهنگ به نظر می‌آید باید شاخص‌های این مفهوم را احصا کرد.

برای مظلومیت فرهنگ همین کافی است که علیرغم همه اهمیتی که این امر برای حیات نظام مقدس جمهوری اسلامی دارد، هنوز پس از گذشت چندین سال، برنامه و طرح منسجمی به منظور رفع آن شکل نگرفته و تنها مطالعات و تحقیقات اندک و بسیار پراکنده و غیرقابل اتکا که بعضاً ضدونقیض هستند، در این رابطه منتشر شده است. در طی سال‌های اخیر برداشت‌ها و تحلیل‌های سطحی کماکان نتوانسته مفهوم مظلومیت فرهنگ را همان‌طور که مد نظر مقام معظم رهبری است به خوبی تبیین کند. برای رسیدن به گفتمان مشترک در این خصوص لازم است تا با احصا و بهره‌گیری از شاخص‌های مظلومیت این بخش، مبانی نظری و عملی این مفهوم را شفاف سازیم.



## فصل دوم - مظلومیت فرهنگ در کلام مقام معظم رهبری

انقلاب شکوهمند اسلامی در حقیقت انقلاب عظیم فرهنگی بود و فلسفه وجودی و هدف اصلی نظام جمهوری اسلامی نیز ارتقای اخلاقیات، معنویات، ارزش‌ها و باورهای دینی و توسعه فرهنگ بوده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هدف از تشکیل حکومت اسلامی «رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی و ایجاد زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به‌منظور تجلی ابعاد خداگونه انسان»<sup>۱</sup> ذکر شده است.

متأسفانه، با توجه به هدف عالی نظام جمهوری اسلامی مبنی بر رشد معنویت و اخلاقیات در جامعه، کشور ما در این سال‌ها در حوزه فرهنگ پیشرفت چندانی نداشت و حوزه فرهنگ نسبت به دیگر حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و غیره مظلوم واقع شده است. تا جایی که مقام معظم رهبری در دیدار مورخ ۱۳۸۶/۶/۴ خود با دولتمردان بر لزوم رفع مظلومیت از فرهنگ تأکید کردند:<sup>۲</sup>

«از بخش فرهنگ رفع مظلومیت کنید. بخش فرهنگ انصافاً بخش مظلومی است. الان در گزارش آقای رئیس‌جمهور، اصلاً اسمی از فرهنگ نیامد، یا در اولویت‌بندی‌ها این اولویت فدای اولویت‌های دیگر شد و آنها تقدم پیدا کرد که در کوتاهی وقت، بیان شود! این مظلومیت است دیگر. واقعاً مسئله فرهنگ را دست‌کم نگیرید. خیلی از مشکلات جامعه با فرهنگ‌سازی حل می‌شود. توجه کنید که امروز عمده قوای دشمنان ما در جبهه فرهنگی دارد کار می‌کند. این جنگ‌های روانی، این فعالیت‌های فرهنگی، این بودجه‌های پنهان و آشکاری که برای منحرف کردن ذهن‌ها می‌گذارند، همه‌اش مربوط به مسئله فرهنگ است.

فرهنگ مثل هواست که انسان وقتی که این هوا را استنشاق کرد، با هوایی که استنشاق کرده و با آن جانی گرفته، می‌تواند دو قدم بردارد و جلو برود، بقیه کارها همه برخاسته از آن چیزی است که شما استنشاق کرده‌اید. اگر چنانچه یک جایی، هوای مسمومی تزریق شود، نتیجه‌ای که در اندام‌ها دیده خواهد شد تابع آن مسمومیتی است که در این هواست. اگر فضا را با دود یا مخدری تخدیر کنند، وقتی شما آن را استنشاق کردید، رفتار شما متناسب با آن چیزی خواهد شد که استنشاق کرده‌اید؛ فرهنگ یک چنین حالتی دارد. فرهنگ را دست‌کم نگیرید، خیلی مهم است. بنابراین صرف وقت کنید و در بودجه هم برایش پول و فصول قابل توجهی بگذارید تا جهت ارزشی به فرهنگ بدهید. از جمله کارهایی که مسئولین فرهنگی دولت خیلی باید به آن بپردازند و واقعاً یک دقیقه را در آن فروگذار نکنند، این است که به فرهنگ عمومی جامعه و ابزارها و وسایل فرهنگی، جهت ارزشی بدهند. چون تلاش زیادی شده تا جریان‌های فرهنگی و عامل‌های فرهنگی - هنر و

۱. مجموعه قوانین با آخرین اصلاحات، ۱۳۸۴، صص ۱۵-۱۶.

۲. فاطمه مسعودی، مروری بر ابعاد وضعیت فرهنگی کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.

ادبیات و شعر و سینما و بقیه - در جهت غیرارزشی حرکت کنند و راه بیافتند. شما باید کمک کنید و همه تلاشتان را بکنید که به تحرکات فرهنگی کشور در جهت ارزشی جهت بدهید»<sup>۱</sup>

از بیانات رهبری می‌توان شاخص‌های مظلومیت فرهنگی را اینگونه احصا کرد:

۱. اولویت نداشتن فرهنگ،
۲. عدم صرف زمان کافی،
۳. اعتبارات ناکافی،
۴. فقدان جهت‌گیری ارزشی فعالیت‌های فرهنگی،
۵. عدم ساماندهی فصول و برنامه‌ها در بخش فرهنگ.

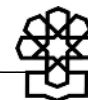
سخنان رهبری نشان‌دهنده این واقعه تلخ است که در حوزه فرهنگ و اولویت دادن به آن تلاش چندانی صورت نگرفته است و در این حوزه، جامعه با چالش‌های اساسی روبرو است.<sup>۲</sup> ایشان با طرح این نکته که «فرهنگ همچون هوا برای زندگی انسانی اهمیت حیاتی دارد و بسیاری از مشکلات جامعه با فرهنگسازی حل می‌شود» قصد آن را دارند تا توجه مسئولین را به کارکرد فرهنگ جلب می‌کنند. عدم شناخت کامل از فرهنگ و تأثیرات آن نکته دیگری است که در گفتمان رهبری نهفته است. همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند فرهنگ مثل هوا ما را احاطه کرده و همین پدیده موجب می‌شود بدون مطالعات گسترده و عمیق شناخت از فرهنگ حاصل نشود و لذا یک شناخت کاذب اجازه ندهد تا نیاز به درک صحیح از فرهنگ ایجاد شود و متعاقباً بر مظلومیت این بخش می‌افزاید. از دیگر محورهای صرف وقت و هزینه در حوزه فعالیت‌های فرهنگی است. این امر در کلام رهبری که باید در فرهنگ وقت صرف کنید و در بخش بودجه هم بر آن پول و فصول قابل توجهی گذارید، نشان از آن است که پایین بودن بازدهی هزینه‌های موجود در فرهنگ و صرف زمان در گرفتن نتیجه و به عبارتی عدم ساماندهی در وقت و هزینه فرهنگ را در میان سایر فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی به حاشیه رانده است. اشاره و خطاب قرار دادن مسئولین درخصوص فرهنگ عمومی و جهت دادن ارزشی به آن بر لزوم شناخت کامل فرهنگ توسط مدیران و فرهنگی بودن آنها تأکید دارد.<sup>۳</sup>

با توجه به شاخص‌های مورد نظر از مظلومیت فرهنگ در بیانات رهبری و اجمالی بودن آنها، گزارش تلاش می‌کند تا این شاخص‌ها را به همراه دیگر مؤلفه‌ها و شاخص‌های مظلومیت فرهنگ مورد بررسی قرار دهد.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت، ۱۳۸۶/۶/۴.

۲. فاطمه مسعودی، مروری بر ابعاد وضعیت فرهنگی کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۸ و ۹.

۳. حسن بنیانیان، چگونه می‌توان از بخش فرهنگ رفع مظلومیت کرد، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶.



## فصل سوم - شاخص‌های مظلومیت فرهنگ از دیدگاه صاحب‌نظران

در این بخش به منظور بررسی آرای صاحب‌نظران حوزه فرهنگ از روش تحقیق کیفی با ابزار مصاحبه عمیق بهره گرفته شده، سپس به منظور تحلیل داده‌های حاصله از روش کدگذاری موضوعی استفاده شده است. پیش‌فرض روش‌شناسی در اینجا این است که گروه‌ها و دسته‌های مختلف افراد دارای دیدگاه‌ها و نوع تجربه‌های مختلفی است و این موضوع حتی در درون گروه‌ها نیز ممکن است به صورت‌های متفاوتی انجام بگیرد. بر این مبنا افراد انتخاب شده به‌منظور مصاحبه براساس داشتن سه ویژگی:

۱. سابقه مدیریت در بخش فرهنگ،

۲. سابقه دانشگاهی در حوزه فرهنگ،

۳. سابقه فعالیت در زمینه فرهنگ.

برگزیده شده‌اند که گاهاً دارای یک ویژگی و در مواردی هر سه ویژگی را دارا بوده‌اند. علاوه بر این، پس از تحلیل موردی اولیه، مقوله‌ها و حوزه‌های موضوعی بیرون کشیده شده است که امکان مقایسه بین آنها را فراهم کند. به‌عبارت دیگر، پس از تحلیل موردی هرکدام از مصاحبه‌ها درخصوص شاخص‌های مظلومیت فرهنگ، دیدگاه‌های افراد دسته‌بندی شده و تحت عنوان مقوله اصلی و زیرمقوله‌ها ارائه شده و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. پس از ارائه هر حوزه موضوعی و مقولات مربوطه، در هر دسته نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها به‌صورت ارجاع مستقیم و غیرمستقیم آورده شده است. در نهایت و در بخش نتیجه‌گیری کل داده‌ها و اطلاعات به‌دست آمده در چند دسته موضوعی طبقه‌بندی شده و به‌صورت مشروح، دسته‌بندی‌های محتوایی از شاخص‌ها ارائه شده است که گوناگونی دیدگاه‌ها را نشان می‌دهد.

### ۱-۳. تعاریف فرهنگ

به منظور تبیین شاخص‌های مظلومیت فرهنگ، لازم است تا مفهوم فرهنگ روشن و مشخص گردد. در بررسی ادبیات نظری از فرهنگ تعاریف متعددی وجود دارد که همین امر ارائه تعریف مشترک و واحد از آن را دشوار می‌سازد. عدم وجود تعریف مشترک از فرهنگ سبب می‌شود تا تعبیر و تعریف شاخص‌های مظلومیت فرهنگ در حالتی مبهم قرار گیرند. از سویی دیگر در بررسی آرای صاحب‌نظران به این نتیجه می‌رسیم که همواره فهم متفاوت از فرهنگ در نگاه آنها وجود دارد که همین امر باعث می‌شود تا شاخص‌های متعدد از مظلومیت فرهنگ ارائه دهند. بنابراین ضروری است تا با دسته‌بندی تعاریف گوناگون از فرهنگ حیطة مظلومیت فرهنگ را به منظور تبیین

شاخص‌های آن مشخص کرد.

در پژوهش حاضر پس از مصاحبه با متخصصان حوزه فرهنگ و ارتباطات، تعاریف متعددی از فرهنگ به دست آوردیم. از این رو سعی کرده‌ایم با داشتن دیدی جامع به فرهنگ تمامی تعاریف موجود را دسته‌بندی کنیم؛ این دسته‌بندی مقولات زیر را شامل می‌شود.

الف) فرهنگ به عنوان کلیه دستاوردهای بشری،

ب) فرهنگ به عنوان بخش غیرمادی زندگی بشر،

ج) فرهنگ به مثابه زندگی روزمره،

د) فرهنگ در معنای اخص: علوم انسانی،

ه) عدم ارائه تعریف فرهنگ.

دسته‌بندی فوق از تعاریف فرهنگ نشان می‌دهد که این بحث در ایران نیز دچار کثرت برداشت‌ها و تعاریف است و ارائه یک تعریف دقیق و منظم از فرهنگ نه تنها ممکن نیست، بلکه نادرست نیز هست. زیرا تعریف دقیق و منظم از مفاهیم در حوزه علوم اجتماعی از شمولیت و عام بودن آنها جلوگیری می‌کند و دیدگاه‌های جدید به موضوع فرهنگ را محدود می‌کند. در ادامه هرکدام از دسته‌بندی‌های بالا را توضیح داده و نمونه‌هایی برای هرکدام از این تعاریف ارائه می‌کنیم.

#### الف) فرهنگ به عنوان کلیه دستاوردهای بشری

در این دیدگاه تمامی حوزه‌های زندگی بشری چه مادی و چه غیرمادی و معنوی، همه و همه در حوزه تعریف فرهنگ قرار می‌گیرند. دکتر کتبی<sup>۱</sup> در تأیید این تعریف از فرهنگ می‌گوید:

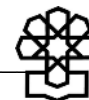
«برداشت کلی من از مفهوم گسترده فرهنگ، همان آب‌هایی است که میلیون‌ها گونه جانوران دریایی در آن شنا می‌کنند، ماهیان آب شیرین، ماهیان آب شور، شناوران آب‌های گرم، دوزیستان و... انسان‌ها نیز در فضاهای فرهنگی خود زاده می‌شوند، تحول می‌یابند و می‌میرند و در یک عبارت کلی تفکر و احساسات و عواطف آنها، منش و شخصیت آنها، بینش و ادراک آنها و حتی خوراک، پوشاک، بهداشت، مسکن، سلايق، علايق، روابط و ضوابط زندگی آنها تابع فرهنگ است. شاید بتوان گفت که تنها نفس کشیدن آنهاست که فرهنگی نیست.»

همچنین دکتر فکوهی<sup>۲</sup> اشاره می‌کنند که:

«زندگی انسان در همه ابعادش حتی ابعادی که ممکن است به نظر صرفاً بیولوژیک بیاید، روابط فرهنگی را ایجاد می‌کند، انسان موجودی است که رابطه‌اش را با طبیعت از یک رابطه مستقیم به یک

۱. مرتضی کتبی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران.

۲. ناصر فکوهی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران.



رابطه غیرمستقیم تبدیل کرده است. انسان در همه جنبه‌های زندگی خود ولو جنبه‌های زیستی‌اش رابطه بی‌واسطه با طبیعت را به رابطه با واسطه تبدیل کرده است که واسطه آن ابزاری است. یعنی از طبیعت با استفاده از ابزاری که ساخته است بهره می‌برد و بر طبیعت بیش از آنچه که در قابلیت‌های خودش بوده، سلطه ایجاد می‌کند. به همین جهت باید تمامی ابعاد زندگی را بخشی از بعد فرهنگی دانست. فرهنگ مجموعه ترکیبی از فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی است.»

دکتر محدثی<sup>۱</sup> نیز به این تعریف از فرهنگ اشاره می‌کند:

«یک تعریف خیلی عام از فرهنگ جا افتاده است که گفته می‌شود که کلیه دستاوردهای بشری را می‌توانیم فرهنگ بنامیم اعم از دستاوردهای مادی و غیرمادی.»

تعریف عام فرهنگ به مثابه مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها، باید و نبایدها، تولیدات مادی و غیرمادی که معمولاً به گیدنز جامعه‌شناس معاصر منسوب می‌شود، در بیشتر مصاحبه‌های انجام گرفته، وجود دارد. در رابطه با بحث مظلومیت فرهنگی این تعریف عام از فرهنگ نشان می‌دهد که بحث فرهنگ در تمامی حوزه‌های زندگی انسانی در ایران نادیده گرفته شده است، اما در بسیاری از موارد این تعریف به مثابه تعریفی کارآمد مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و برای درک صحیح‌تر و جزئی‌تر فرهنگ سعی شده است که بر بعد غیرمادی و معنوی فرهنگ تأکید شود که در دسته‌بندی دوم تحلیل ما قرار می‌گیرد.

### ب) فرهنگ به عنوان بخش غیرمادی زندگی بشر

در این دسته از تعاریف فرهنگ، بخش مادی فرهنگ کنار گذاشته می‌شود و بر بعد غیرمادی فرهنگ تأکید می‌شود. بعد غیرمادی فرهنگ شامل ارزش‌ها، باورها، هنجارها، مکتوبات و نوشته‌ها، دین و باورهای اسطوره‌ای را شامل می‌شود. دکتر حسام‌الدین آشنا<sup>۲</sup> در رابطه با این تعریف از فرهنگ اظهار می‌دارد که:

«تعریف مضیق‌تری از فرهنگ وجود دارد که فرهنگ را بیشتر به ابعاد ذهنی تخصیص می‌دهد و بیشتر شامل باورها، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای برجسته در این ابعاد می‌شود و وجه ذهنی جامعه را بیشتر پوشش می‌دهد»

دکتر مردی<sup>۳</sup> نیز به این تعریف اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد که:

«در تعریف معنوی از فرهنگ به مجموعه باورها، اعتقادات، آداب و رسوم، باورها، اندیشه، زبان، تاریخ، ادبیات، علم و دانش ... فرهنگ گفته می‌شود». علاوه بر این آقای مشکینی هم معتقدند

۱. حسن محدثی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران.

۲. حسام‌الدین آشنا، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع).

۳. محمدرضا مردی، رئیس پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

«در توصیف فرهنگ بر این اعتقادیم که روح حاکم است».

این تعریف از فرهنگ به‌خصوص در رابطه با مسئله مظلومیت فرهنگی می‌تواند راهگشا باشد و کارآیی بیشتری دارد. به‌صورت کلی بیشتر مصاحبه‌شوندگان اگرچه ابتدا به تعریف کلی و عام فرهنگ اشاره کرده‌اند، اما در ادامه و در بحث از مظلومیت فرهنگی این تعریف غیرمادی و معنوی را در نظر داشته‌اند و شاخص‌هایی که عنوان کرده‌اند - در ادامه این شاخص‌ها ارائه می‌شود - بیشتر شاخص‌هایی بوده است که در حوزه این تعریف از فرهنگ قرار می‌گیرد.

### ج) فرهنگ به مثابه زندگی روزمره

یکی دیگر از تعریف‌های فرهنگ، به زندگی روزمره مردم اشاره می‌کند. اگرچه تمامی عناصر مذکور در دو تعریف قبلی و به‌خصوص تعریف غیرمادی را مورد تأیید قرار می‌دهد. اما بر جنبه روزمره‌گی فرهنگ بیشتر تأکید می‌کند. دکتر نبوی<sup>۱</sup> در رابطه با این تعریف اظهار می‌دارد که:

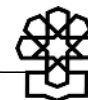
«در عرصه واقعی و عینی جامعه ما فرهنگ را باید مجموعه باورهای نهادینه شده و جاری در زندگی مردم و ارزش‌های همگام و برآمده از این باورها تلقی کنیم. تمامی مسئله جدی و عملیاتی در عرصه فرهنگ مربوط به این باورها و ارزش‌های برآمده از آنهاست. وقتی صحبت از باورها می‌کنیم منظور توقف کردن و قرار گرفتن در آن لایه بالای اعتقادات و عقاید دینی یا صرف اجتماعی و امثال آن نیست، بلکه منظور از باورها یعنی آنها که مردم در سازوکارهای زندگی روزمره خودشان به آنها رسیده‌اند».

این تعریف از فرهنگ از آن جهت اهمیت دارد که با برطرف کردن انتزاع از تعریف فرهنگ، آن را به زندگی روزمره مردم پیوند می‌دهد و از طرفی دیگر فرهنگ عامه مانند موسیقی‌ها و آوازهای عامه و هنرها و صنایع دستی و حوزه‌های دیگر زندگی روزمره مردم را مورد تأکید قرار می‌دهد. بحث مظلومیت فرهنگی با این تعریف به حوزه‌های رها و کشف‌نشده زندگی روزمره نیز کشیده می‌شود.

### د) فرهنگ در معنای اخص: علوم انسانی

تعریف فرهنگ از تعریف عام به اخص، از حوزه علم به‌صورت کلی می‌گذرد و بحث علوم انسانی را مطرح می‌کند. این تعریف از فرهنگ در بیشتر جواب‌های مصاحبه‌شدگان مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع یکی به این دلیل است که تولیدات فرهنگی تا حدود زیادی در دست متخصصان علوم انسانی است و از طرفی دیگر علوم انسانی خود موضوع فرهنگ است و فرهنگ را مورد مطالعه قرار می‌دهد. برای نمونه دکتر مرندی به این تعریف از فرهنگ اشاره کرده است:

۱. سید عباس نبوی، رئیس مؤسسه پژوهشی و فرهنگی تمدن و توسعه اسلامی.



«فرهنگ در معنای اخصش به مباحث حوزه خاص فرهنگ که تاریخ، هویت و مباحث جامعه‌شناسی است، ارتباط دارد. فرهنگ در این معنایش به مقوله‌های معرفتی (و نه علمی) مربوط می‌شود ... فرهنگ در این معنی خود ارتباط بسیار نزدیکی با علوم انسانی دارد».

### ه) عدم ارائه تعریف فرهنگ

تعدادی از مصاحبه‌شوندگان نیز به علت گستردگی تعریف فرهنگ و مقولات مربوط به آن ترجیح داده‌اند تعریفی از فرهنگ ارائه ندهند. برای نمونه اگرچه دکتر فیاض<sup>۱</sup> فرهنگ را نرم‌افزار زندگی می‌داند، اما تعریف مشخصی از فرهنگ ارائه نکرده است. دکتر آزاد ارمکی نیز ترجیح داده است به جای تعریف فرهنگ مستقیماً وارد بحث فرهنگ در ایران شود و فرهنگ را در بطن و زمینه آن مورد بحث قرار دهد. همچنین دکتر عمید زنجانی<sup>۲</sup> نیز فرهنگ را در بستر دینی آن و با اشاره به زندگی روزمره مورد بحث قرار داده است. دکتر خانیکی<sup>۳</sup> نیز معتقد است که:

«به جای تعریف به خصوص فرهنگ، بهتر است که عملکرد فرهنگ را در نظر بگیریم. به نظر من فرهنگ آفرینش است، نگاهداری و تداوم همبستگی میان افراد جامعه است».

دسته‌بندی تعاریف فرهنگ نشان می‌دهد که در چندین سطح مختلف مطرح است. در سطح عام تعریف فرهنگ، فرهنگ تمامی حوزه‌های زندگی بشری، گذشته، حال و آینده قابل انتظار آن را دربر می‌گیرد. همچنین تمامی تولیدات مادی و غیرمادی و رابطه انسان‌ها با طبیعت را هم دربر می‌گیرد. در این سطح از تعریف فرهنگ تمامی حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و روانشناختی نیز داخل فرهنگ معنا می‌شوند و به عنوان مقولاتی فرهنگی در نظر گرفته می‌شوند. در سطح دوم فرهنگ به عنوان امری غیرمادی و عمدتاً ذهنی تلقی می‌شود، دایره شمول فرهنگ محدودتر شده و تاریخ اندیشه و ارزش‌ها و اعتقادات و هنجارها و علوم انتزاعی را دربر می‌گیرد. در این سطح نیز عمدتاً حوزه اقتصاد، سیاست و اجتماع به هم پیوسته هستند و نمی‌توان بین آنها تمایزی قائل شد، مگر به عنوان زیرشاخه‌هایی از امر فرهنگی، اما در سطح سوم تعریف فرهنگ که فرهنگ را در حوزه علوم انسانی و به خصوص در حوزه جامعه‌شناسی، ارتباطات، ادبیات، تاریخ و دیگر زیرمجموعه‌های علوم انسانی در نظر می‌گیرد، می‌توان تا حدودی بین حوزه فرهنگ و حوزه علوم طبیعی و تا حدودی حوزه سیاست و اقتصاد تفاوت قائل شد. به نظر می‌رسد که این سطح از تعریف فرهنگ درخصوص بحث مظلومیت فرهنگی کارآیی بیشتری داشته باشد و تقریباً بیشتر مصاحبه‌شوندگان در ادامه مصاحبه، فرهنگ را به این معنا در نظر گرفته‌اند.

۱. ابراهیم فیاض، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران.

۲. عباسعلی عمیدزنجانی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران.

۳. هادی خانیکی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی.

## ۲-۳. شاخص‌های مظلومیت فرهنگی

با توجه به گستردگی حوزه فرهنگ و تعاریفی که از فرهنگ وجود دارد، بحث مظلومیت فرهنگ نیز حوزه‌های وسیعی را دربر می‌گیرد. در این پژوهش صاحب‌نظران حوزه فرهنگ و ارتباطات با توجه به تعاریفی که از فرهنگ ارائه داده‌اند و مقولاتی که برای فرهنگ برشمرده‌اند به شاخص‌های مختلف مظلومیت بخش فرهنگ اشاره کرده‌اند. ما شاخص‌های مظلومیت فرهنگ را در پنج مقوله کلی دسته‌بندی کرده‌ایم. این مقولات شامل موارد زیر می‌شود:

الف) سوءمدیریت در حوزه فرهنگ،

ب) عدم توجه به بخش فرهنگ در ایران،

ج) عدم امکان مشارکت عمومی در حوزه مدیریت فرهنگ،

د) کمبود تخصیص بودجه در بخش فرهنگ،

هـ) فقدان شاخص‌های مشخص در حوزه مظلومیت فرهنگ.

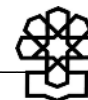
## الف) سوءمدیریت در حوزه فرهنگ

سوءمدیریت در کشورهای درحال توسعه در بیشتر بخش‌های جامعه مورد بحث واقع شده است. به نظر می‌رسد که این موضوع به‌خصوص در ایران و در بخش فرهنگ بیشتر مطرح است. مدیریت فرهنگی همانند خود تعریف فرهنگ فرار و غیرقابل تعریف است و در بیشتر موارد در مصاحبه‌های صورت گرفته به نحوه مدیریت درست در حوزه فرهنگ اشاره نشده است و حتی برای نمونه دکتر آزاد ارمکی<sup>۱</sup> معتقد است که هر نوع مدیریتی در حوزه فرهنگ به ناپودی و مظلومیت در این حوزه منتهی می‌شود. وی معتقد است که باید فرهنگ را رها کرد تا خود به خود و براساس سازوکارهای فرهنگ ببالد و دولت و سازمان‌های مختلف نباید در حوزه فرهنگ دخالت کنند. همچنین دکتر فکوهی برای درک مظلومیت فرهنگی بحث مقایسه کشور و امکانات و پتانسیل‌های فرهنگی آن با دیگر کشورها و موفقیت کشورهای دیگر و عدم موفقیت ایران در زمینه مسائل فرهنگی مانند توریسم و دانشگاه و علم را مطرح می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که مدیریت فرهنگی به شکل فعلی آن مشکل دارد و تنها به توسعه بخش فرهنگ منتهی نشده است، بلکه باعث عقب‌ماندن این حوزه نیز شده است. خود بحث سوءمدیریت در حوزه فرهنگ به خرده مقولات دیگری تقسیم می‌شود که به هرکدام از آنها به صورت مشروح اشاره می‌کنیم.

۱. نبود نظام تربیتی جهت پرورش نیروی فرهنگی: دکتر حداد عادل<sup>۲</sup> معتقد است که: «یکی از

۱. تقی آزاد ارمکی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران.

۲. غلامعلی حداد عادل، رئیس کمیسیون فرهنگ مجلس شورای اسلامی.



مشکلات و نه مهمترین مشکل، کمبود مدیران فرهنگی است. این بدان معناست که مدیرانی که مسئولیت اداره مؤسسات فرهنگی را دارند، نه با فرهنگ سروکار عمیق دارند، نه دید فرهنگی دارند و نه مدیریت فرهنگی دارند».

در همین راستا مشکینی<sup>۱</sup> به این مسئله اشاره کرده است که «مکانیسم و تعریف تخصصی و آکادمیکی برای تربیت نیروی انسانی برای کار فرهنگی نداریم. به عبارت صریح‌تر برنامه‌ریز فرهنگی، استراتژیست فرهنگی، مدیر فرهنگی و ... در یک نظام آموزشی مدون تربیت نمی‌شوند. به‌عنوان مثال، چون رشته‌هایی تحت عنوان مدیریت فرهنگی نداریم (برخلاف سایر گرایش‌های رشته مدیریت مانند مالی، استراتژیک، دولتی، اجرایی، بازرگانی، بیمه و ...) در نتیجه رشته‌ای تحت عنوان حسابداری فرهنگی نیز نداریم. در اینجا بحث سیستماتیک مطرح است. بدین معنا که دستگاه‌ها چه سهمی در تربیت چنین نیروهایی داشته‌اند؟ در تمام بخش‌های دیگر نیروهایی که باید جذب شوند، مشخص هستند، اما در بخش فرهنگ ما ناچاریم اصطلاحاً نان قرض بگیریم».

۲. مدیریت متولیان غیرفرهنگی در رأس امور فرهنگی: مدیریت افرادی که در حوزه فرهنگ متخصص نیستند یا متخصص حوزه‌های دیگری مانند علوم پایه و پزشکی و ... هستند یکی از شاخص‌های مظلومیت فرهنگ است. دکتر مردی معتقد است که متولیان فعلی فرهنگ متولیان غیرفرهنگی (سیاسی، اقتصادی و ...) هستند و بنابراین توانایی اداره درست بخش فرهنگ را ندارند.

مشکینی هم به این مسئله اشاره کرده‌اند و بر این اعتقادند که «در سی سال گذشته از سطح رئیس دستگاه‌ها تا مدیر فرهنگی در سطوح پایین‌تر آدم‌هایی داریم که رشته‌های آنها فنی، مهندسی و ... است که به تبع آن فاقد دید و نگرش فرهنگی می‌باشند و این خود یکی از دلایل مظلومیت فرهنگ است» علاوه بر این ایشان معتقدند که بخش فرهنگ در ایران ایدئولوژیک است و نه سکولار همچنین به نبود کارشناسانی اشاره می‌کنند که نقش واسطه را در پیوند بخش‌های مختلف حیات اجتماعی ایفا می‌کنند. به عبارت دقیق‌تر بر این باورند که «از دیگر علل مظلومیت فرهنگ این است که رهبران دینی ما حرف‌ها و توصیه‌های ایدئولوژیک و فرهنگی را ترجمان حاکمیتی می‌کنند، اما ما آدم‌هایی نداریم که این گفتمان را ترجمه کنند. ما نیروهای مبدل لازم داریم که سخنان را دریافت کنند و به زبان کاربردی فرهنگی و رسانه‌ای در آورند. پس مظلومیت مبدل‌های فرهنگی است». به‌طور کلی در توضیح این مقوله آقای مشکینی بسیار خوب مسئله را خلاصه کرده است و معتقدند که «ابتدایی‌ترین موضوع در بحث مظلومیت فرهنگ آن است که کار فرهنگی به‌عنوان یک تخصص متمایز شناخته نشده است. یعنی افراد تصور دارند که به دلیل شمولیت این موضوع همه حق اظهارنظر، کارشناسی و ... را دارند». نکته مهمتری که ایشان در همین راستا به آن اشاره می‌کنند.

۱. بهمن مشکینی، کارشناس حوزه فرهنگ و ارتباطات.

نامشخص بودن کار فرهنگی است. ایشان بر این باورند که «تعریف [فرهنگ] را می‌دانیم اما ماهیت کار فرهنگی را نه!» مشکینی در توضیح ماهیت کار فرهنگی بیان می‌دارند که «آنچه از معنای روایات و آیات و مباحث علما بر می‌آید، کار فرهنگی کاری است که بتواند در ارتباطات اجتماعی و تأثیرات علی و معلولی تأثیرگذار باشد. با این وصف می‌توان گفت مغز کار فرهنگی ارتباط است» «با این تعبیر می‌توان گفت مهمترین دلیل مظلومیت بخش فرهنگ این است که نمی‌دانیم کار فرهنگی چیست و همه چیز را کار فرهنگی می‌نامیم. در صورتی که کار فرهنگی باید دارای ویژگی‌های ۱. اثربخشی، ۲. مستمر بودن، ۳. توسعه دامنه ارتباطات باشد».

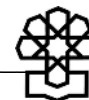
۳. ورود سیاستمداران به بحث فرهنگ: در این خصوص بسیاری از صاحب‌هوشوندگان اظهار کرده‌اند که انتخاب متولیان فرهنگی نه براساس تخصص و توانایی کار در حوزه فرهنگی در بین افراد بوده، بلکه همبستگی‌ها و وابستگی‌های سیاسی باعث شده است تا مدیران حوزه فرهنگی انتخاب شوند. دخالت سیاستمداران و به تبع دولت در امور فرهنگی باعث به وجود آمدن بحران در این حوزه شده است. دکتر آزاد ارمکی در این باره می‌گوید:

«عموم مدیرانی که در این حوزه می‌آیند چون ذهن مهندسی دارند تصورشان این است که اگر عنصری را وارد معادله کنند کار درست می‌شود درحالی که همیشه این عنصری را که وارد می‌کنند، نسبت به آن بیگانه هستند».

از نظر مشکینی نیز «سیاست و سیاست‌بازی و جناح‌بندی‌ها یکی دیگر از علل مظلومیت فرهنگ است. قرار گرفتن مدیران در جناح‌ها مظلومیت را مضاعف می‌کند. مدیران فرهنگ باید عهد ببندند که وارد مسائل سیاسی نشوند و در خدمت نظام باشند. اگر مدیران فرهنگی وارد مسائل سیاسی شوند، به تبع آن وارد بخشی می‌شوند و سوگیری می‌کنند و این اتفاق رخ می‌دهد که بخش فرهنگ به عنوان یک دوره گذار و سکوی پرتاپ تلقی می‌گردد».

### ب) عدم توجه به بخش فرهنگ در ایران

عدم توجه به بخش فرهنگی در نظر تعدادی از صاحب‌هوشوندگان یکی از شاخص‌های مظلومیت فرهنگی عنوان شده است. فرهنگ به مثابه عنصر سازنده زندگی بشری مطرح است که تمامی حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی درون آن رخ می‌دهد. حال رهاسازی یا مدیریت غلط و عدم توجه به ذخایر فرهنگی باعث بحران در حوزه فرهنگی می‌شود. در رابطه با این مقوله نیز ما با سه زیرمقوله در مصاحبه‌ها روبرو شدیم. این زیرمقوله‌ها که در ادامه با ذکر نمونه مورد بحث قرار می‌گیرند عبارتند از، مظلومیت در حوزه علوم انسانی، کوتاهی و غفلت در نگهداشت ذخایر فرهنگی و عدم خودسازی از ذخایر فرهنگی است که هرکدام به صورت جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرد.



۱. **مظلومیت در حوزه علوم انسانی:** همان‌طور که در بخش تعاریف و موضوعات بخش فرهنگ عنوان شد، علوم انسانی هم در تعریف فرهنگ وجود دارد و هم به‌عنوان علم مطالعه فرهنگ و هم علم متأثر از فرهنگ مطرح است. به همین دلیل بدون بحث از مظلومیت علوم انسانی نمی‌توان در خصوص مظلومیت فرهنگ بحث کرد. دکتر مرندی در این باره می‌گوید:

«خواستگاه توجه به فرهنگ، توجه به علوم انسانی است، فرهنگ را موقعی ما می‌توانیم به آن توجه کنیم که به‌عنوان یک شاخه علمی به رسمیت بشناسیم، یعنی اینکه متولیان امور فرهنگی دانش‌آموختگان علوم انسانی باشند ... بنابراین اگر ما بخواهیم فرهنگ را توسعه بدهیم باید علوم انسانی را توسعه بدهیم».

۲. **کوتاهی و غفلت در نگهداشت ذخایر فرهنگی:** ذخایر فرهنگی یکی از منابع تغذیه فرهنگ معاصر است. در رابطه با این موضوع تعدادی از مصاحبه‌کنندگان عنوان کرده‌اند که در دوره‌های مختلف به قسمتی از ذخایر فرهنگی بی‌اعتنایی شده است. برای نمونه دکتر محدثی عنوان کرده است که در ایران در دوران پهلوی به فرهنگ اسلامی توجه چندانی نمی‌شد و در دوران فعلی این بی‌توجهی به فرهنگ و ذخایر فرهنگی دوران ایران باستان و پیش از اسلام است.

۳. **عدم خودسازی با استفاده از ذخایر فرهنگی:** در این مورد نیز عدم استفاده درست از ذخایر فرهنگی باعث شده است تا نتوانیم یک هویت پویا برای خود درست کنیم. دکتر محدثی در این باره نیز می‌گوید:

«ما از ذخایر و میراث فرهنگی موجود نیز خودسازی فرهنگی نکرده‌ایم و در نتیجه به درجه قابل قبولی از خودباوری فرهنگی نرسیده‌ایم».

### ج) **عدم امکان مشارکت عمومی در حوزه مدیریت فرهنگ**

در تعاریف فرهنگ به این موضوع اشاره کردیم که فرهنگ و پویایی فرهنگ تنها وقتی ممکن است که در دل زندگی روزمره جاری باشد و عموم مردم در فرآیند تولید، تغییر تحول و نگهداشت فرهنگ مشارکت کنند، اما با دیدگاه مدیریتی از بالا در ایران بسیاری از مردم عامه و به‌خصوص جوانان از مشارکت در فرهنگ‌سازی محروم شده‌اند. به‌عنوان مثال در این باره مشکینی معتقدند که «با توجه به اینکه بخش فرهنگ در ایران یک ایدئولوژی است و نه یک سکولار، بنابراین ما نمی‌توانیم بایدها و نبایدها را از بالا وارد کنیم، توصیه‌ها می‌باید در عرض صورت پذیرد». در ادامه این مقوله نیز در سه زیرمقوله تحت عنوان صرفه‌جویی در فرهنگ، کمبود توجه به بخش خصوصی و کمبود فضا و امکانات برای جوانان مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. **صرفه‌جویی در فرهنگ:** از آن جهت که حوزه فرهنگ حوزه‌ای گنگ و تقریباً مبهم است و دایره وسیعی از مسائل را دربر می‌گیرد به‌راحتی می‌توان از کنار آن گذشت و به‌نظر می‌رسد که

مسائل فرهنگی به نسبت مسائل سیاسی و اقتصادی از فوریت چندانی برخوردار نیست به همین دلیل از آن غفلت می‌شود و اگر قرار است صرفه‌جویی انجام گیرد در بخش فرهنگ انجام می‌شود. دکتر خانیکی در این مورد اظهار می‌دارد:

«آثار پدیده‌های فرهنگی درازمدت بوده و خیلی زود آشکار نمی‌شوند، به همین دلیل وقتی در حوزه اعتبارات و اقتضائات می‌خواهیم صرفه‌جویی نماییم از فرهنگ شروع کرده و هنگامی که خواهیم اولویت بندی کنیم، فرهنگ را در آخر قرار می‌دهیم».

۲. کمبود توجه به بخش خصوصی: بخش خصوصی خارج از ایده‌ها و کنترل‌ها و محدودیت‌های دولت می‌تواند با مشارکت در مسائل اقتصادی و فرهنگی به شکوفایی یک مملکت کمک کند. درحالی که بسیاری از صاحب‌کنندگان بر این نکته تأکید کرده‌اند که بخش دولتی با دخالت‌های نابجا در امور فرهنگی باعث رکود در این حوزه شده است، بخش خصوصی در عوض در حوزه فرهنگی مورد بی‌مهری قرار گرفته است.

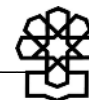
۳. کمبود فضا و امکانات برای جوانان: جوانان از یک‌طرف مصرف‌کننده فرهنگ هستند و از طرفی دیگر تداوم‌دهنده و متحول‌کننده فرهنگ هستند. مشارکت جوانان در امور فرهنگی و در مدیریت فرهنگ، به حوزه فرهنگ کمک می‌کند تا نیازهای فرهنگی بخش بزرگی از جامعه را پیش‌بینی و ارضا کند. در وضعیت فعلی ایران جوانان احتیاج به فضاها و امکانات فرهنگی دارند که به ندرت در دسترس آنها قرار می‌گیرد. دکتر نبوی به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید:

«بودجه‌ای که برای امور فرهنگی در نظر گرفته شده است معمولاً توسط افرادی که در کمین این بودجه‌ها نشسته‌اند حیف‌ومیل می‌شود و برای ایجاد امکانات و فضاها برای جوانان چیزی باقی نمی‌ماند».

#### د) کمبود تخصیص بودجه در بخش فرهنگ

هر حوزه‌ای برای این که شکوفا شود نیاز به هزینه کردن دارد. از این جهت که حوزه فرهنگ نامشخص است و تغییرات در این حوزه نیازمند زمان طولانی می‌باشد و به‌سادگی قابل مشاهده نیست، معمولاً خرج کردن برای بخش فرهنگ با خست و صرفه‌جویی نابجا همراه است. در این رابطه با دو زیر مقوله روبرو هستیم، عدم تخصیص بودجه به بخش فرهنگ و انحراف بودجه‌های تخصیص‌یافته به بخش فرهنگ که هرکدام را شرح می‌دهیم.

۱. عدم تخصیص بودجه: در ایران تخصیص بودجه برای امور اقتصادی و سیاسی کاملاً روشن و مشخص است، اما در زمینه فرهنگ و امور فرهنگی تخصیص بودجه مشخص نیست و بیشتر بر روی پرداخت حقوق کارمندان بخش فرهنگ یا بودجه دستگاه‌هایی مانند وزارت ارشاد یا



شهرداری‌ها و... متمرکز است و بودجه برای تغییرات فرهنگی یا تحول فرهنگی یا نگهداشت فرهنگی معمولاً بسیار کم است. دکتر آشنا در این مورد می‌گوید که:

«اختصاص بودجه به حوزه‌های جاری مانند پرداخت حقوق کارمندان باعث گردیده چرخه فرهنگی کشور حمایت نشود. صدمه چنین اشکالی در بودجه فرهنگی به بخش عملیاتی فرهنگ مربوط می‌شود».

**۲. انحراف بودجه:** انحراف بودجه به این معنی است که بودجه‌هایی که برای پیشبرد اهداف فرهنگی در نظر گرفته می‌شود صرف این اهداف نمی‌شود و در جایی منحرف می‌شود و معمولاً به جیب متولیان بخش فرهنگ می‌رود. دکتر فیاض در این باره اظهار می‌دارد:

«در ایران بودجه‌ای که برای تحقیقات در فرهنگ و اجرای امور فرهنگی اختصاص می‌یابد در تحقیقات صرف نمی‌شود. تحقیقات به شدت سطحی می‌شود. برای مثال صداوسیما می‌خواهد خود را نقد کند و شروع به تحقیقات می‌کند و بودجه خود را صرف این می‌کند که برنامه‌های تولید شده چقدر کاربرد داشته است».

#### ه) فقدان شاخص‌های مناسب در حوزه مظلومیت فرهنگ

از آنجایی که تعریف فرهنگ و دایره شمول فرهنگ نامحدود است ارائه شاخص‌های درست و دقیق در رابطه با امور فرهنگی بسیار سخت است. به همین دلیل شاخص‌ها و معیارهای موجودی که برای تشخیص بخش فرهنگی و سنجش آن به‌کار گرفته می‌شود محدود و نادرست و در تعدادی از موارد انحرافی است. مقوله فقدان شاخص‌های درست برای درک و سنجش حوزه فرهنگ و به تبع حوزه فرهنگ دارای زیرمقوله‌های زیادی است که شامل تأکید بر معیارهای دلبخواهی در حوزه فرهنگ، عدم توجه به شاخص‌های مقایسه‌ای، عدم توجه به شاخص‌های درونی و کیفی حوزه فرهنگ، عدم استفاده از شاخص‌های بین‌المللی مانند شاخص‌های یونسکو را شامل می‌شود که هرکدام را به‌صورت جداگانه توضیح می‌دهیم.

**۱. تأکید بر معیارهای دل‌خواهی:** در این رابطه تعریف و تشخیصی که از فرهنگ وجود دارد ناقص و غلط است و متولیان و مدیران حوزه فرهنگی با داشتن درک نادرست از فرهنگ برداشت خود را ملاک ارزیابی بخش فرهنگ می‌دانند و تنها معیارهایی را برای سنجش حوزه فرهنگ قبول می‌کنند که با دیدگاه‌های آنها کنار بیاید. دکتر عمید زنجانی این موضوع را مورد انتقاد قرار می‌دهد و معتقد است که:

«بر تعدادی اندک از معیارها و شاخص‌های فرهنگی مانند حجاب، نماز و... تأکید می‌شود و از ارزش‌های اصلی و هنجارهای فرهنگی غفلت می‌شود».

**۲. عدم توجه به شاخص‌های مقایسه‌ای:** شاخص‌های مقایسه‌ای این امکان را فراهم می‌کنند

تا دیدی جامع نسبت به وضعیت فرهنگی به وجود بیاید. هر کشوری تنها در مقایسه با دیگر کشورها است که می‌تواند میزان پیشرفت و پسررفت خود را در حوزه فرهنگ معلوم سازد و این ممکن نیست مگر به وسیله شاخص‌های مقایسه‌ای که کشورهای مختلف را از لحاظ شاخص‌هایی مانند تعداد کتاب و تعداد کتاب‌خوان و تولیدات فرهنگی و... با هم مقایسه می‌کنند. دکتر فکوهی این موضوع را مورد نقد قرار می‌دهد و معتقد است که شاخص‌های مقایسه‌ای و تطبیقی برای تعیین جایگاه ایران در بین سایر کشورها مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.<sup>۱</sup>

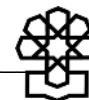
۳. **عدم توجه به شاخص‌های درونی و کیفی حوزه فرهنگ:** از آنجایی که نحوه تحقیقات در علوم تجربی و فنی در ایران به‌عنوان روش علمی جا افتاده است بسیاری از شاخص‌هایی که در حوزه فرهنگ به‌کار گرفته می‌شود شاخص‌های کمی هستند، این درحالی است که در علوم اجتماعی به دلیل اینکه جنس مباحث فرهنگی و اجتماعی با مسائل تجربی متفاوت است و از آن یقینی بودن و اثباتی بودن خبری نیست شاخص‌های کمی در بسیاری از موارد به تنهایی نه تنها کارایی ندارند. بلکه باعث درک نادرستی از فرآیندهای فرهنگی می‌شوند. برای نمونه دکتر آزاد ارمکی در مصاحبه خود به این موضوع اشاره می‌کند و معتقد است که با داشتن دیدی مهندسی نمی‌توان امور اجتماعی را درک کرد. دخالت افرادی که با شاخص‌های درونی و کیفی فرهنگ آشنا نیستند در حوزه فرهنگ ناآرامی‌ها و بحران‌های زیادی را به‌وجود آورده است.

۴. **عدم استفاده از شاخص‌های بین‌المللی مانند شاخص‌های یونسکو:** یکی دیگر از مشکلات شاخص‌های فرهنگی در ایران عدم توجه به شاخص‌های بین‌المللی است. این شاخص‌ها به‌گونه‌ای تنظیم می‌شوند که نتایج آنها همیشه نشان از پیشرفت و توسعه است. درحالی که این شاخص‌ها درست نیستند و با شاخص‌های استاندارد بین‌المللی کاملاً فرق دارند. دکتر آشنا در این باره می‌گوید:

«قسمتی از شاخص‌های فرهنگ شاخص‌های بین‌المللی است که متأسفانه بیش از ده سال است در ایران ارائه نمی‌شود. به گزارش جهانی فرهنگ آماری که توسط یونسکو تهیه می‌شود، متأسفانه سال‌هاست که جلوی نام ایران خط تیره گذاشته‌اند».

همان‌طور که در این قسمت دیدیم مظلومیت فرهنگ در ایران همه حوزه‌های فرهنگ را دربر می‌گیرد. سوءمدیریت مهمترین این مشکلات است که حوزه فرهنگ را دچار بحران ساخته است. دخالت سیاستمداران، دخالت افراد غیرمتخصص و با فکر ریاضی و مهندسی، عدم اجازه مشارکت

۱. جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به گزارش «پیرامون زمینه‌ها و الزامات قانونی سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در عرصه فرهنگ»، مرتضی شکوهی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.



عموم مردم و به‌خصوص جوانان در امر مدیریت فرهنگ از مشکلات حوزه مدیریت هستند. اختصاص بودجه به بخش فرهنگ نیز از آشفتگی‌های زیادی رنج می‌برد. بودجه از یک‌طرف بیشتر برای ساخت‌وساز یا پرداخت حقوق کارمندان خرج می‌شود یا در زمینه‌های تحقیقاتی به جیب افرادی می‌رود که سررشته‌ای از علوم انسانی و فرهنگ ندارند و معمولاً با تحقیقاتی سطحی سروته آن را هم می‌آورند. همچنین در همبستگی با تمامی مشکلاتی که مطرح شد، شاخص‌های تحلیل و درک فرهنگی در ایران بیشتر شاخص‌ها و معیارهایی را شامل می‌شود که تعریفی دلبخواهی از فرهنگ را مد نظر قرار می‌دهند. این شاخص‌ها باعث می‌شود که همیشه آمارها و اخبار غلطی در مورد حوزه فرهنگ منتشر شود که به بحران هرچه بیشتر در این حوزه دامن می‌زند. حال برای ساماندهی حوزه فرهنگ و رفع این مشکلات چه باید کرد.

### ۳-۳. راهکارهای رفع مظلومیت فرهنگ

مظلومیت حوزه فرهنگ و مسائلی مانند سوءمدیریت، عدم اختصاص بودجه کافی و... که در بخش قبلی به آنها اشاره شد، نیازمند ساماندهی و تصحیحی. الگوهای برخورد با بخش فرهنگ است. ساماندهی حوزه فرهنگ در سطوح گسترده‌ای از جامعه اتفاق می‌افتد. مصاحبه‌شوندگان راهکارهای بسیار متنوعی را برای این کار پیشنهاد کرده‌اند که معمولاً در ارتباط نزدیک با مشکلات حوزه فرهنگ قرار دارد. اطلاعات به‌دست آمده از مصاحبه‌های صورت‌گرفته با متخصصان حوزه فرهنگ و ارتباطات را در ۶ مقوله کلی دسته‌بندی کرده‌ایم که هرکدام خود مقوله‌های زیادی را شامل می‌شود که عبارتند از:

الف) تصحیح نقش دولت در امور فرهنگی،

ب) تصحیح الگوهای مطالعه و تحقیق در حوزه فرهنگ،

ج) توجه مضاعف به فرهنگ،

د) تصحیح نحوه مدیریت فرهنگ،

هـ) تصحیح الگوهای تخصیص بودجه به بخش فرهنگ،

و) تصحیح شاخص‌های تحلیل و سنجش فرهنگ.

به‌نظر می‌رسد این راهکارها، راهنمایی کلی برای ارتقای وضعیت فرهنگی در کشور است. در ادامه هرکدام از این مقولات با ارجاع به مصاحبه‌های انجام گرفته توضیح داده می‌شوند.

### الف) تصحیح نقش دولت در امور فرهنگی

همان‌طور که در قسمت مظلومیت بخش فرهنگ آمده است، تعدادی از مصاحبه‌شوندگان به

دخالت‌های نابجای دولت در حوزه فرهنگ اشاره کرده‌اند و معتقد بودند که این دخالت‌ها باعث به وجود آمدن بحران در حوزه فرهنگ و ایجاد مظلومیت در این بخش شده است. راهکارهای ارائه شده در این بخش عبارت از غیردولتی کردن فرهنگ و مشارکت غیرمستقیم دولت در فرهنگ که برای هرکدام به صورت جداگانه توضیح داده می‌شود.

۱. غیردولتی کردن فرهنگ: غیردولتی کردن فرهنگ به این معناست که بخش‌های غیردولتی جامعه مانند بخش خصوصی، NGOها و جوانان وارد مدیریت حوزه فرهنگ شوند و نقش دولت در حوزه فرهنگ به حداقل خود برسد. دکتر خانیکی در این مورد می‌گوید:

«اصل مسئله این است که فرهنگ یک امری فراتر از دولت بوده و دولتی کردن فرهنگ، خود نادیده گرفتن سرشت فرهنگ است. به دلیل اینکه مشخصه مهم دولت سازماندهی است... که این یعنی رسمی کردن و دولتی کردن فرهنگ، در صورتی که جنس فرهنگ رسمی شدنی و دولتی شدنی نیست».

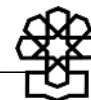
۲. مشارکت غیرمستقیم دولت در بخش فرهنگ: همان‌طور که پیشتر آمد دخالت دولت در بخش فرهنگ از نظر مصاحبه‌شوندگان قابل قبول و درست نیست و آثار سوء بر این حوزه می‌گذارد، اما این مسئله به این معنا نیست که دولت به صورت کامل از حوزه مسائل فرهنگی بیرون برود، بلکه دخالت دولت باید به صورت غیرمستقیم و جانبی و در حاشیه صورت بگیرد. برای نمونه دکتر محدثی در این باره می‌گوید:

«میزان دخالت دولت در عرصه فرهنگ در حد جهت‌دهی و گشودن دریچه‌ها و طرح‌های جدید باشد، به عبارتی نقشی هدایتی و ترغیبی داشته باشد و دخالتش غیرمستقیم باشد».

### ب) تصحیح الگوهای مطالعه و تحقیق در حوزه فرهنگ

همان‌طور که در بخش مظلومیت فرهنگی عنوان شد متخصصان حوزه فرهنگ و علوم انسانی در زمینه تحقیقات علوم انسانی مهجور مانده‌اند و روش‌های نادرستی برای درک فرهنگ و مطالعه فرهنگ در نظر گرفته شده است. ساماندهی حوزه فرهنگ نیازمند درست کردن این نگاه غلط می‌باشد. مصاحبه‌شوندگان راهکارهای متنوعی را برای این موضع در نظر گرفته‌اند که عبارتند از: مطالعه علمی و تخصصی فرهنگ، دعوت به پژوهش و علم، جلب مشارکت متخصصان علوم انسانی، داشتن نگاه بومی‌گرایانه و نقد درونی و برونی حوزه فرهنگ. هرکدام از این راهکارها در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرند.

۱. مطالعه علمی و تخصصی فرهنگ: داشتن دیدی علمی و تخصصی به فرهنگ باعث می‌شود که درک درستی از فرهنگ ایجاد شود که با توجه به قواعد علمی نوعی اجماع را در بین متخصصان ایجاد می‌کند. نگاه تخصصی از تشمت و پراکندگی دیدگاه‌ها در حوزه فرهنگ جلوگیری می‌کند و



نگاه سلیقه‌ای به آن را نفی می‌کند. تقریباً همه مصاحبه‌شوندگان این موضوع را مورد تأیید قرار داده‌اند. برای نمونه دکتر مرندی معتقد است که:

«ما باید فرهنگ را به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی علمی مطرح کنیم نه یک حوزه ذوقی که هر کسی با ذوقش وارد این حوزه شود».

۲. **ترغیب به پژوهش و علم در حوزه فرهنگ:** علم و پژوهش در حوزه فرهنگ هم باید به‌صورت مادی و هم از لحاظ دیگر انگیزش‌های غیرمادی مانند امتیازات علمی، نخبگی قائل شدن برای افراد و... مورد تشویق و ترغیب قرار بگیرد. دکتر عمید زنجانی در این باره می‌گوید:

«شیوه‌ای که مقام معظم رهبری برای رفع مظلومیت ارائه دادند همان دعوت به پژوهش و علم‌اندوزی در میان قشر جوان و تحصیلکرده است. تفکری که به دنبال علم و پژوهش برود از تهاجم فرهنگی مصون می‌ماند».

۳. **جلب مشارکت متخصصان علوم انسانی:** در رابطه با مظلومیت فرهنگ یکی از مهمترین شاخص‌ها مظلومیت علوم انسانی و متخصصین حوزه فرهنگ بود که قبلاً به آن اشاره کرده‌ایم. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان دعوت و ترغیب متخصصان علوم انسانی در حوزه فرهنگ را به‌عنوان راهکاری برای رفع مظلومیت فرهنگی عنوان کرده‌اند. دکتر مرندی در این باره می‌گوید:

«برای توجه به انقلاب فرهنگی باید فرهنگ به‌عنوان یک شاخه علمی در نظر گرفت که خواستگاه آن توجه به علوم انسانی است. فرهنگ و علوم انسانی باید مبنا قرار بگیرد. البته علوم انسانی و فرهنگی که با زیرساخت‌های تئوریک و ایدئولوژیکی ما همسان باشد و با نیازها و اقتضائات ما هماهنگ باشد».

همچنین دکتر خانیکی نیز در این باره اظهار نظر می‌کند که:

«پیشنهاد می‌شود که فرهنگ به یک سیاست و برنامه برگرفته از مشارکت صاحب‌نظران، متفکران، نخبگان و دست‌اندرکاران تبدیل گردد».

همچنین دکتر کتبی در پیشنهادات خود برای رفع مظلومیت فرهنگ عنوان می‌کند:

«به‌کارگیری پژوهش علمی و تربیت پژوهشگر در زمینه علوم انسانی و انتشار نتایج آن در سطح عمومی».

۴. **داشتن نگاه بومی‌گرایانه:** یکی از مشکلات حوزه فرهنگ مشکل تهاجم فرهنگی و به‌خصوص نظریات غیربومی در حوزه علوم انسانی است. دکتر مرندی در این باره می‌گوید:

«در بررسی‌های علمی نباید دیدگاه ما صرفاً رویکردی افراطی و یا تفریطی داشته باشد. در رویکرد افراطی علم، علم است، شرقی و غربی و اسلامی و غیراسلامی ندارد و رویکرد تفریطی که غرب‌ستیزانه است و تمام یافته‌های غربی را غلط می‌پندارد».

وی در ادامه بر داشتن نگاهی بومی

(اسلامی و ایرانی) به علوم انسانی و علوم فرهنگی تأکید می‌کند که از علوم غربی نیز با بومی کردن آن استفاده می‌کند».

۵. نقد درونی و برونی فرهنگ: فرهنگ فعلی هم باید از نگاه اسلامی و دینی و هم از نگاه توسعه‌گرایانه و مدرن مورد نقد قرار بگیرد. نقد این حوزه‌ها به ترقی و توسعه فرهنگی در ایران کمک می‌کند. دکتر فیاض در این باره می‌گوید:

«در حوزه فرهنگ باید نقد درون‌بینی و برون‌بینی صورت پذیرد و عقلانیت که نقش تنظیم‌کننده را دارد بر روابط انسانی و سازمانی حاکم شود».

### ج) توجه مضاعف به فرهنگ

توجه مضاعف به فرهنگ بدین معناست که فرهنگ در همه ابعاد آن باید مورد توجه قرار بگیرد و هر نوع تلاشی که به حوزه فرهنگ کمک می‌کند و باعث ارتقای آن می‌شود باید بیشتر شود. متخصصان راهکارهایی برای این موضوع ارائه داده‌اند. این راهکارها عبارتند از، اولویت دادن به فرهنگ، برون رفتن از وضعیت تک‌فرهنگی، حفظ حرمت انسان‌ها و حفظ میراث فرهنگی که هر کدام جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرند.

۱. اولویت‌دادن به فرهنگ: همان‌طور که در قسمت‌های پیشین عنوان شد فرهنگ در ایران مورد مظلومیت قرار گرفته است و در همه جنبه‌های سیاستگذاری در اولویت‌های آخر قرار می‌گیرد. برای رفع مظلومیت حوزه فرهنگ، فرهنگ باید در زمینه سیاستگذاری در اولویت قرار بگیرد. برای نمونه دکتر مرندي این موضوع را مورد تأکید قرار می‌دهد و در راهکارهای پیشنهادی خود «درک اولویت فرهنگ در سطح تصمیم‌گیری و سیاستگذاری» را خواستار شده است.

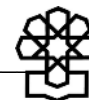
آقای مشکینی هم یکی از مهمترین راهکارهای رفع مظلومیت از فرهنگ را چنین بیان کرده‌اند «ما باید جایگاه فرهنگ را در بالاترین نقطه قرار دهیم؛ جایگاه جنگ در دفاع مقدس، فرماندهی ستاد مشترک و... نبود، بلکه جایگاهش خود امام (ره) بود. پس باید [فرهنگ] در بالاترین جایگاه قرار گیرد و از همانجا تا پایین فرماندهی شود» ایشان در این راستا معتقدند که باید از شعاری بودن پرهیز شود و عزم ملی جزم شود و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌صورت جدی بر این کار متمرکز شود.

۲. برون رفتن از وضعیت تک‌فرهنگی: دکتر عمید زنجانی در این باره پیشنهاد می‌کند که:

«شاخص‌های کارآمدتری به‌منظور فرهنگ‌سازی و برون‌رفت از وضعیت تک‌فرهنگی به وجود بیاید، به این دلیل که اگر از میزان اثرگذاری یک عامل کاسته شد، سایر عوامل همچنان تأثیرگذار باقی بمانند».

۳. حفظ حرمت انسان‌ها: حرمت انسان‌ها در چارچوب رعایت قانون به‌عنوان یکی از

راهکارهای رفع مظلومیت فرهنگی ارائه شده است. دکتر نبوی در این باره می‌گوید:



«اگر بخواهیم سامانه خوبی برای فرهنگ بسازیم: باید چاره‌ای بیاندیشیم که چگونه حرمت، کرامت و ارزش یک فرد را به‌عنوان یک انسان حفظ کنیم، ضمن اینکه حقوق دیگران را تأمین کنیم».

۴. **حفظ میراث فرهنگی:** توجه به میراث فرهنگی و حفظ آن یکی دیگر از راهکارهایی است که برای توجه مضاعف به فرهنگ ارائه شده است. برای نمونه دکتر محدثی حفظ میراث فرهنگی را مورد تأکید قرار می‌دهد و معتقد است که باید از هرگونه شتاب‌زدگی در برنامه‌ریزی برای حفظ آثار و ذخایر فرهنگی پرهیز کنیم و این کار باید به دقت انجام بگیرد. وی معتقد است که ما باید از اشتباهات گذشتگان درس عبرت بگیریم و از تجارب آنها استفاده بکنیم.

#### د) تصحیح نحوه مدیریت فرهنگ

مدیریت فرهنگ در ایران از طرف مصاحبه‌شوندگان بیشتر از هر قسمت دیگری مورد انتقاد قرار گرفته است که در قسمت شاخص‌های مظلومیت فرهنگی به آنها اشاره کردیم. این متخصصان در ادامه انتقاد خود از وضعیت مدیریتی در حوزه فرهنگ راهکارهایی هم برای برون‌رفت از وضعیت موجود ارائه کرده‌اند که ما آنها را در این قسمت تشریح می‌کنیم. این راهکارها عبارتند از استفاده از نخبگان در اداره فرهنگ، ایجاد رابطه بین بخش دولتی و غیردولتی و ایجاد مدیریت غیرمتمرکز که در ادامه آنها را تشریح می‌کنیم.

۱. **استفاده از نخبگان در اداره فرهنگ:** نخبگان حوزه فرهنگ نسبت به نخبگان دیگر حوزه‌ها از مشارکت کمتری در مدیریت حوزه فرهنگ برخوردار هستند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، مدیریت و تولید حوزه فرهنگ در دست افرادی است که معمولاً دانش آموخته یا نخبگان رشته‌های فنی و مهندسی و یا علوم پزشکی و... هستند و به ندرت نخبگان فرهنگی در رأس امور فرهنگی قرار دارند. مصاحبه‌شوندگان به‌عنوان یک راهکار استفاده از نخبگان فرهنگی در مدیریت بخش فرهنگ را پیشنهاد کرده‌اند. برای نمونه دکتر فکوهی در این مورد می‌گوید:

«نخبگان فرهنگی باید در حوزه‌های برنامه‌ریزی، مشورتی، مفهوم‌سازی و پژوهشی - چه کاربردی و چه بنیادی - دخالت کنند و تحت عنوان نخبگان علمی و اجرایی هم در حوزه پژوهشی و هم در حوزه اجرایی حضور داشته باشند».

۲. **ایجاد رابطه بین بخش دولتی و غیردولتی:** همان‌طور که قبلاً اشاره شد بخش دولتی به تنهایی در زمینه مدیریت مسائل فرهنگی از کارآیی کافی برخوردار نیست و باید مدیریت حوزه فرهنگ را به بخش غیردولتی که بخش خصوصی و گروه‌های مردمی را شامل می‌شود، بسپارد. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان معتقدند که باید بین بخش دولتی و غیردولتی در حوزه فرهنگ هماهنگی لازم به‌وجود بیاید. دکتر آشنا به‌عنوان نمونه در راهکارهای خود برای ساماندهی فرهنگ عنوان می‌کند که:

«باید رابطه میان بخش دولتی و غیردولتی فرهنگی را بازنگری کرد و یا در واقع جایگاه مردم، هنرمندان، کارآفرینان، خلاقان، کارگزاران و صنوف فرهنگی در تولید، توزیع و مصرف فرهنگ را مورد بازبینی قرار داد».

۳. **ایجاد مدیریت غیرمتمرکز:** مدیریت غیرمتمرکز در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به‌عنوان راهکاری برای ساماندهی بخش فرهنگ عنوان شده است. مدیریت غیرمتمرکز به این معنا است که مدیریت حوزه فرهنگ تنها در دست دولت نباشد و گروه‌های دیگری هم در مدیریت حوزه فرهنگ دخیل باشند. دکتر فکوهی راهکارهایی برای این کار پیشنهاد کرده‌اند:

«دولت می‌تواند بر بخش‌های مدیریت فرهنگی نظارت داشته باشد، اما بهتر است دولت برای انجمن‌ها امکاناتی اختصاص دهد تا خودکفا باشند و به دولت وابسته نباشند ... همچنین دولت باید انجمن‌های مختلف خودکفا را با شرکای دیگر ارتباط دهد».

#### ه) تصحیح نحوه تخصیص بودجه به بخش فرهنگ

دولت که زمامدار تخصیص بودجه به بخش‌های مختلف است می‌تواند با تخصیص بودجه کمتر یا بیشتر به رونق و شکوفایی یک بخش کمک کند. همان‌طور که قبلاً عنوان شد بودجه بخش فرهنگ از یک طرف نسبت به بقیه بخش‌ها کمتر است و از طرفی دیگر این بودجه منحرف می‌شود و تنها تحقیقاتی سطحی با این بودجه‌ها انجام می‌گیرد. مصاحبه‌شوندگان برای رفع این مشکل راهکارهایی را ارائه کرده‌اند. برای نمونه دکتر خانیکی معتقد است که:

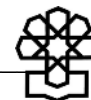
«در بخش سرمایه‌ای نباید بودجه فرهنگ با بودجه جاری گره بخورد چرا که این وضعیت صرفاً شاخص آن را بالا می‌برد بدون آنکه توسعه‌ای صورت بگیرد».

همچنین دکتر نبوی معتقد است که:

«بودجه بخش فرهنگ باید تا حد زیادی به روی امکانات فرهنگی تمرکز داشته باشد و هدف آن تحقق اصل چهل و چهارم قانون اساسی به‌صورت ایجاد ظرفیت برای بخش خصوصی تعیین شود. صرف بودجه‌های کلان در بخش‌هایی چون بازسازی ذخایر، میراث فرهنگی و گسترش امکاناتی مانند ارتقای فضاها و بناهای مقدماتی، برای فرهنگ عایدی و نقش بیشتری ندارد. تقویت فرهنگ باید در بخش زیرساختی آن صورت بپذیرد».

#### و) تصحیح شاخص‌های تحلیل و سنجش فرهنگ

یکی از مشخصه‌های مظلومیت فرهنگ این است که از شاخص‌های درستی برای درک وضعیت فرهنگی استفاده نمی‌شود و معمولاً این شاخص‌ها اطلاعات غلطی را به وجود می‌آورند. مصاحبه‌شوندگان برای ساماندهی حوزه فرهنگ راهکارهایی برای استفاده از شاخص‌های درست



ارائه داده‌اند. برای نمونه دکتر آشنا معتقد است که باید شاخص‌های ترکیبی برای رصد تحولات فرهنگی و سنجش آثار سیاست‌های فرهنگی طراحی شود. دیگر مصاحبه‌شوندگان مانند دکتر آزاد ارملی استفاده از شاخص‌های بین‌المللی و مقایسه‌ای را مورد تأکید قرار داده‌اند.

در این قسمت دیدگاه و نظرات و پیشنهادات متخصصان حوزه فرهنگ و ارتباطات برای بهبود و ساماندهی حوزه فرهنگ ارائه شد، اما آنچه در اینجا قابل ذکر آن است که معمولاً راهکارهای ارائه شده بسیار کلی می‌باشد و نتایج این پژوهش تنها می‌تواند به‌عنوان یک مبنا مورد استفاده قرار گیرد و برای به‌کار گرفتن توصیه‌های این بخش باید این توصیه‌ها را به‌صورت برنامه‌ریزی شده و قابل اجرا کرد.

#### ۴-۳. تدوین برنامه جامع در حوزه فرهنگ

تدوین برنامه جامع در بخش فرهنگ نیازمند درک درست فرهنگ است که در بخش تعاریف و موضوعات فرهنگ به آنها پرداخته‌ایم. همچنین درک کاستی‌ها و نواقص و مظلومیت‌های حوزه فرهنگ نیز باید در نظر گرفته شود که در بخش شاخص‌های مظلومیت فرهنگ به آنها اشاره کردیم. همچنین باید از راهکارهای ارائه شده در بخش ساماندهی فرهنگ و رفع مظلومیت فرهنگ به‌عنوان الگویی برای طراحی برنامه جامع استفاده کرد. در نهایت تعدادی از مصاحبه‌شوندگان راهکارهایی برای تدوین طرح جامع فرهنگ پیشنهاد کرده‌اند که در اینجا توضیح داده می‌شود. دکتر فکوهی معتقد است که:

«تدوین جامع در بخش فرهنگ هیچ فرقی با تدوین جامع در دیگر بخش‌ها ندارد. در هر حوزه‌ای برای اینکه به نتیجه برسیم باید از بالاترین نخبگان در آن حوزه استفاده کنیم... باید شایسته سالاری باشد و نه ملاحظات ایدئولوژیک».

همچنین دکتر آشنا معتقد است که :

«باید در سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی بازنگری کنیم و آن را به سیاستگذاری در مفهوم نوین آن تبدیل کنیم... همچنین راه‌اندازی هرچه سریع‌تر شورای عالی تحقیقات و فناوری برای سیاستگذاری برای حوزه آموزش و پرورش و حوزه دین، فرهنگ و هنر الزامی است».

بقیه صاحب‌نظران که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند توصیه‌های خود برای رفع مظلومیت از فرهنگ به‌منظور تدوین برنامه جامع فرهنگی پیشنهاد کرده‌اند.

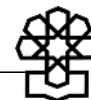
## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر موضوع مظلومیت حوزه فرهنگ را با مراجعه به صاحب‌نظران حوزه فرهنگ و ارتباطات مورد تحقیق قرار داده است. این صاحب‌نظران در خصوص شاخص‌های مظلومیت فرهنگ، اظهار نظر کرده‌اند همه این اظهار نظرها مورد تحلیل قرار گرفته و در دسته‌بندی‌های مشخصی که در قسمت‌های پیشین ارائه شد مطرح نظر قرار گرفتند. در نهایت از مجموع آنچه آمد ما می‌توانیم چند نتیجه‌گیری کلی در مورد انتقادهای و راهکارهای پیشنهاد شده ارائه بدهیم یا جواب‌های مصاحبه‌شوندگان و نتایج به دست آمده را در چند نتیجه کلی ارائه دهیم:

کسانی که معتقدند مظلومیت فرهنگ در تمامی حوزه‌ها اتفاق افتاده است و شاخص‌های دقیقی برای سنجش میزان مظلومیت فرهنگی وجود ندارد. این مصاحبه‌شوندگان بیشتر بخش مدیریت را مورد نقد قرار داده‌اند و معتقدند که دخالت در حوزه فرهنگ، آن را دچار بحران می‌کند. آنها در هر صورت ضد مدیریت هستند و طرفدار واگذاری حوزه فرهنگ به مردم و جوانان و بخش خصوصی هستند. پیشنهاد آنها برای ساماندهی فرهنگ این است که دولت حوزه فرهنگ را واگذار کند و تنها با ارائه بودجه و تشویق و هدایت غیرمستقیم در حوزه فرهنگ دخالت بکند.

عده‌ای دیگر مظلومیت حوزه فرهنگ را در بعد ذهنی زندگی اجتماعی می‌دانند و معتقدند حوزه فرهنگ ظرفی است که فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی درون آن انجام می‌گیرد. این افراد حوزه فرهنگ را قابل مدیریت و برنامه‌ریزی می‌دانند، اما معتقدند که دخالت‌های نابجای دولت در این حوزه به فرهنگ آسیب می‌رساند. آنها بودجه بیشتر برای حوزه فرهنگ و همچنین استفاده از نخبگان و متخصصان حوزه فرهنگ را خواستار هستند. راهکارهای این دسته بر این مبنا است که شاخص‌های درستی برای سنجش فرهنگ و مقایسه آن با دیگر کشورها تدوین شود. از ذخایر فرهنگی نگهداری و به بخش فرهنگ توجه بیشتری شود. آنها تدوین برنامه جامع را به کمک نخبگان فرهنگی ممکن می‌دانند و معتقدند که سازمان‌های دولتی و غیردولتی و بخش خصوصی می‌توانند در تدوین این برنامه با همدیگر همکاری کنند.

دسته دیگر از مصاحبه‌شوندگان، معتقدند مظلومیت حوزه فرهنگ به مظلومیت علوم انسانی بر می‌گردد. آنها وضعیت فعلی فرهنگ در جامعه را نتیجه انتساب نادرست افرادی می‌دانند که از رشته‌های مهندسی و پزشکی و... وارد این حوزه شده‌اند و تخصصی در مورد مسائل فرهنگی ندارند. آنها برای رفع این مشکلات خواستار توجه به علوم انسانی، تخصیص بودجه کافی هدفمند برای این بخش و به‌کارگیری متخصصان هستند. این دسته بیش از دسته‌های دیگر به وضعیت فعلی آگاه هستند. آنها معتقدند که نهادها و سازمان‌های دولتی در ارتباط با بخش‌های دانشگاهی و



خصوصی می‌توانند به بهبود وضعیت فرهنگی کشور کمک کنند. این دسته خواستار این هستند که در تدوین هرگونه برنامه‌ای برای حوزه فرهنگ از نخبگان علوم انسانی استفاده شود.

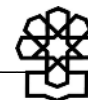
حال در بخش آخر از نتیجه‌گیری با استفاده از اطلاعات حاصل شده از بخش نظری و تحلیل

داده‌های مصاحبه می‌توان شاخص‌های مظلومیت فرهنگ را چنین احصا کرد:

۱. فقدان شاخص‌ها و تعاریف مشخص در بخش فرهنگ،
۲. عدم ساماندهی در بخش فرهنگ،
۳. سوءمدیریت در بخش فرهنگ،
۴. کمبود یا عدم برنامه‌ریزی در تخصیص اعتبار مالی در بخش فرهنگ،
۵. عدم تبیین استراتژی در بخش فرهنگ دانست،
۶. پایین بودن سطح مشارکت عمومی در حوزه فرهنگ،
۷. نبود نظام تربیتی جهت پرورش نیروی فرهنگی،
۸. کوتاهی و غفلت در نگهداشت نخبای فرهنگی،
۹. کمبود توجه به بخش خصوصی در حوزه‌های مختلف فرهنگ اعم از تولید و توزیع،
۱۰. کوتاهی در استفاده از نخبگان در اداره فرهنگ.

## نمودار نمایه تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر مظلومیت فرهنگ





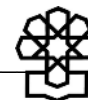
## پیشنهادها

آنچه که آورده شد مجموعاً مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی بودند که بی‌توجهی به آنها سبب مغفول ماندن و مظلوم بودن بخش فرهنگ شده است. سند چشم‌انداز توسعه بیست ساله، دورنمای افقی را ترسیم می‌کند که کشور در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باید طی بیست سال آینده به آن دست یابد. برای پوشش این هدف، ساختار برنامه‌ریزی کشور مأموریت یافته است تا چهار برنامه توسعه پنج‌ساله را طراحی و تنظیم کند. در این بین مسئله اصلی آن است که اگرچه ایران در عرصه فرهنگی به نسبت دیگر عرصه‌ها از ظرفیت و مزیت بیشتری برخوردار است، با این وصف هنوز و طی چهار برنامه توسعه سپری شده نتوانسته است بسترها و زمینه‌های سیاسی و قانونی لازم را برای دستیابی به این اهداف فراهم آورد. در مجموع بسترها و زمینه‌هایی که موجبات این امر را در پی داشته است، می‌توان در موارد ذیل مشاهده کرد: مواج بودن در مدیریت بخش فرهنگ، تعدد دستگاه‌های موازی و صرف اعتبارات بدون هدفگذاری، عدم تجدیدنظر در اهداف و وظایف دستگاه‌ها و سازمان‌های فرهنگی، عدم تفکیک وظایف حاکمیتی از وظایف تصدیگری دستگاه‌های اجرایی بخش فرهنگ، پراکندگی در عناوین برنامه‌های بخش فرهنگ که باعث شده تا محدوده و حیطه عملیات هر برنامه مبهم و کلی باقی بماند، عدم تعیین اهداف مشخص قابل لمس و نبود ابزارهای مدیریت راهبردی به منظور ارزیابی عملکرد سازمانی و مدیریتی و شناخت عالمانه تحولات فرهنگی کشور.

در یک نگاه نظام یافته، بخش فرهنگ نیازمند طرح‌ریزی، سازماندهی، هدایت و نظارت جامع و یکپارچه است و بر این مبنا در بازنگری فعالیت‌های سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و به منظور ساماندهی برنامه‌های این بخش موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. بازنگری در اهداف، وظایف، اساسنامه و قوانین تأسیس یا مصوبات قانونی در پیدایش دستگاه‌های فرهنگی،
۲. ادغام و تجمیع برخی از دستگاه‌های بخش فرهنگ که با یکدیگر تداخل اهداف و وظایف دارند و حذف دستگاه‌های موازی،
۳. تجدیدنظر در عناوین برنامه‌های بخش فرهنگ با دیدگاه کوتاه بودن عناوین برنامه، شاخص‌مند بودن و تعریف جامع از برنامه‌های بخش به نحوی که بر یکدیگر تداخل اعتباری و عملیاتی نداشته باشند،
۴. ارائه تعریف کاربردی فرهنگ و حیطه‌شناسی و تعیین وجوه تمایز ابزارها و شیوه‌های کار فرهنگی از عناوین مشابه،

۵. تعیین جایگاه فرهنگ در نظام و در عالی‌ترین سطح نظیر نظام س اختاری اداره امور دفاعی کشور،
۶. جذب و تربیت استراتژیست‌ها و مبدل‌های فرهنگی؛ به عبارتی افرادی که بتوانند پیام‌های ایدئولوژیک را درک و فهم آن را به زبان فعالیت فرهنگی تبدیل کنند،
۷. شاخص‌سازی برای برنامه‌ریزی و ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی براساس مدل ایرانی - اسلامی،
۸. تبیین علم «مدیریت فرهنگی» با شاخه‌های مورد نیاز آن نظیر «حسابداری فرهنگی»، «برنامه‌ریزی فرهنگی»، «مربی‌گری» و نظایر آن و تأسیس دانشگاه فرهنگ،
۹. جذب استعداد‌های فرهنگی برای آموزش و انتخاب نخبگان آنها برای سطوح مدیریت و کارشناسی و برنامه‌ریزی بخش فرهنگ.



## پیوست

فرآیند تحلیل داده‌ها در این پژوهش براساس روش کدگذاری موضوعی، بدین‌گونه انجام شده است که ابتدا تحلیلی عمیق از موارد منفرد مصاحبه‌های انجام شده با صاحب‌نظران حوزه ارتباطات و فرهنگ به‌عمل آمده است و به این ترتیب به یک دیدگاه کلی در مورد هرکدام از افراد و دیدگاه‌ها و راهکارهای آنها رسیده‌ایم. اسامی صاحب‌نظرانی که در این پژوهش با آنها مصاحبه به‌عمل آمده است به قرار ذیل است (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر تقی آزاد ارمکی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران،
۲. دکتر حسام‌الدین آشنا، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)،
۳. دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی،
۴. دکتر هادی خانیکی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی،
۵. آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران،
۶. دکتر ناصر فکوهی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران،
۷. دکتر ابراهیم فیاض، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران،
۸. دکتر مرتضی کتبی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران،
۹. دکتر حسن محدثی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی،
۱۰. دکتر محمدرضا مرندی، رئیس پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات،
۱۱. بهمن مشکینی، کارشناس حوزه فرهنگ و ارتباطات.
۱۲. حجت‌الاسلام‌والمسلمین سید عباس نبوی، محقق حوزه و دانشگاه، رئیس مؤسسه پژوهشی و فرهنگی تمدن و توسعه اسلامی.

## منابع و مآخذ

۱. دلاور، علی. مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۰.
۲. مسعودی، فاطمه. مروری بر ابعاد وضعیت فرهنگی کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.
۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت، ۱۳۸۶/۶/۴.
۴. بنیانیان، حسن. چگونه می‌توان از بخش فرهنگ رفع مظلومیت کرد، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶.
۵. بنیانیان، حسن. علل مظلومیت فرهنگ در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۰۹۶۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: شاخص‌های مظلومیت فرهنگ

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه جوانان و تربیت بدنی)

تهیه و تدوین: رضا مستمع

همکار اصلی: بهمن باینگانی

همکاران: علیرضا فرزب، معصومه سلیمانی

ناظر علمی: سینا کلهر

اعضای کارگروه: مرتضی شکوهی، وحید خاشعی، محمدحسین ساعی

متقاضی: هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی

سرپرستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۵/۱۹